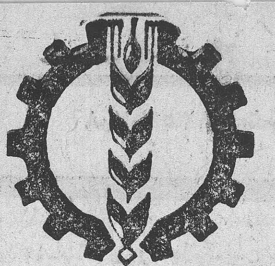


حقیقت انقلاب ثور

ارگان کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان

شمارهٔ سیزدهم ـ سال اول

تاریخ: سه شنبه ۸میزان ۱۳۵۹

سال تاریخی در سرنوشت کشور

انقلاب ثور که نقطه عطف‌تاریخ کشور و سر آغـا ز دگر گو نی های عمیق کیفی‌در زندگی مردم ما اسـت ، رسا لـت عظیم هـم‌آهنگ سازی و آهنگ رشد اقتصادی وسطح آگا هـی‌توده های مردم را بعهده‌دارد.

انقلاب امر یست آگا هانـه‌وهدفمند و به انسان هـای دارای درك عالی به خا طـرانجام تحولات عمیق اجتما عی و پیشروی پروسه انقلا بـی‌ضرورت دارد .

انقلاب اجتما عـی اگـر بغیرات کیفی در جهت غنا و تکمیل فر هنگ ملی و رشد تکنالوژی را به همراه‌ندا شته باشد منجر به تجریدازتوده هادر اثر عدم درك آنـــها از خصو صیات و ما هیت‌انقلاب‌وعدم توانایی‌درحل پرابلم های مو جود اقتصادی ـ اجتما عی‌می گردد زیرا انقلاب یـــك امر دینا میك و پرو سه زنده‌نیز میباشد که بـه صورت متداوم در حال تکا مـــل و پیشروی بوده و متنا سب با هر مرحلهٔ از رشد و تکامل‌خود سطح عالیتری از دانش و فر هنگ توده های مردم راایجاب می کند . اهـدا ف انقلاب با هر گامی از رشد و تکامل خود بغرنج تر ووسیع تر گردیده وبتاکتیك هـــاوراه های حل متناسب‌ضرورت دارد .

بادرنظر داشت این اصل مهم‌وبخاطر اصلاح امور در بخش های مختلف زندگی مردم ازقبیل صحت عامه ، معـا ر ف وغیره کـــه دارای اهمیت حیاتی در جهت بهروزی مردم و پیروزی اهداف انقـــلا ب میباشند،حزب‌و دولت‌کوشش معینی در جهت یافتن راه حل‌های مشخص برای پرابلم‌های مشخص انجام داده اند .

یکی از وسایل عمده یافتن‌راه های حل ، تبادل دانستنی ها و تجارب و تفاهم لازم بین‌اهل فن و کار کنان مربو طه بخش های مختلف زند گـی‌مردم میباشد . با در نظـر داشت این اصل عمده است‌که‌دولت ج.د.ا. تحت رهبری حزب طبقه کارگر و هـــمـه‌زحمتکشان کشور یعنـــی ح.د.خ.ا. تصمیم به تدو یـر‌کنفرانس ها وکنگره های با اهمیتی در زمینه مسایل حادومبرم روز کشور ما گرفت .

شرکت رفیق ببرك كار مـل‌منشی عمومی کمیته مر کز ی ح.د.خ.ا. رئیس شـورا ی‌انقلابی و صدراعظم ج.د.ا. و دیگر رهبران حزبی و دو لتی‌درین کنگره ها و کنفرانس ها نشاندهنده این امر است که‌عمیق ترین تو جه و کو شش در زمینه معطوف میگردد .

بنابر این برای نخستین‌بار کنفرانس زراعتی کشور به تاریخ ۸ حوت ۱۳۵۸ بخا طـرارتقاء سطح تولید و تنظیم فعالیت های زراعتی بر اساس‌معیار های کار علمی در سطحی عالی برگذار گردید .

در تاریخ کشور بـرا ی‌اولین بار در چهار چـو ب کنگره معلمان(۳جوزا ۱۳۵۹)آموز گاران کشور و مهما نان خارجی گردهم آمدند تا در این‌رشته حیاتی و نبض جامعه ما که معارف آنست بر پا یـه اساسات علمی بین المللی رهنمود هـای عمل آینده راتنظیم و فعالیت های آنـرا متناسب باخواست جامعه وانقلاب عیار سازند .

اولین کنگره کار منـدا نطبی به تاریخ ۲۶ جوزا ۱۳۵۹ با کار پرثمر خود نشا نداد‌که‌دولت انقلابی ما تا چه حـد ی به این امر اساسی که عبا رت‌از تامین کامل صحت تـوده های مردم میباشد اهمیـت بزرگی را قایل است .

تدویراولین کنفرانس‌علماو روحانیون کشور به تا ریخ ۱۰ سرطان ۱۳۵۹ نشاندهندهٔ توجه و احترام عمیق حز ب و دولت انقلابی ما به سنن‌و عنعنات و معتقدات مذهبی توده های وسیع مردم مـا میباشد زیرا برای‌ما انقلابیونی که کوره های آتش نبرد رابشت سر گذاشته ایم و بازهم درین راه با متانت و صداقت‌روان هستیم ، عشق به مردم و به توده ها به معنی مجرد وانتزا عی آن مطرح نیست ، ما مردم خود را به صورت کل با حفظ عـنعنات رسوم و معتقدات آنها دوست دا ریم‌و موجودیت نکات منفی محدود در زمینه رسوم و عنعنا ت‌مردم نمیتواند جز تحکیم اراده خلل ناپذیر ما در جهت‌حل آنها عمل نماید .

بدویر او لین کنفرا نس‌اصلاح امور اداری دولت و ارتقاء سطح مؤثریت سیستم‌ادا ر ی ، مشـکـلا ت وکمبود های فراوان و نواقص‌سیستم کار دو لتی مو جودرا در روشنی قرار داده و یکبار‌دیگر باثبات رسانید که بدون نو سازی جدی سیستم اداری همزمان با رشد اقتصادی ـ اجتماعی ، بصورت تد ریجی‌ولی عمقی ، انقلاب به موانع عدیده‌ای روبرو خواهد شد .

(ص ٤)

جشنواره باشکوه جوانان افغانستان

روز یکشنبه ٦میزان گردهم آیی همبستگی‌جوانان‌مترقی‌و دموکرات‌جهان‌با انقلاب افغانستان و همچنین جشنواره جوانان افغانستان در ستدیوم ورزشی کابل برپا گردید .

خبرنگار«حقیقت‌انقلاب ثور» باشرکت درین میتنگ و جشنواره بزرگ‌چنین گزارش می دهد:

درین گردهم آیی وجشن جوانان کشور عظمت وشوروشوق بی سابقه‌یی جو استدیوم ورزشی‌را می‌انباشت. در دندانه های ستدیوم جای خالی به چشم نمی خورد وسیمای شرکت کنندگان میتنگ و جشنواره، بیانگـر رضایت وسرور واقعی و عمیق‌جوانان بود . دلمرده گی ، ترس و مجبوریت شرکت بر خلاف گذشته ها دیده‌نمیشد واقعا جشنی بودکه گـروههای انبوه جوانان رابا احساس بزرگ به‌سوی خود فرا خوانده بود . عده زیـادی علیرغم داشتن‌کارت ورودی بعلت‌کمبود جای نتوانستند وارد ستدیوم شوند وجریان جشنواره و میتنگ رااز پشت در های ستدیوم تعقیب می‌نمودند .

بعد از افتتاح میتنگ همبستگی ، جوانان دموکرات طی بیانیه پرشوری باراباش سکرتر اول فدراسیون جهانی پشتیبانی عمیق خودرا به نمایندگی از جوانان دموکرات جهان از تـحولات انقلابی کشور تحت رهبری حـزب دموکراتیك خلق افغانستان ابرازداشت بعداً یوستاخوف منشی اول کمسومول لنینی اتحاد شوروی طی بیانیه یی پیام صمیمانه لیو نید برژنف منشی عمومی کمیته مرکزی حزب کمونست اتحاد شوروی ، صدر هیات رئیسه شورای عالی اتحاد جماهیر شوروی که حاوی مردم افغانستان بود ابراز داشت .

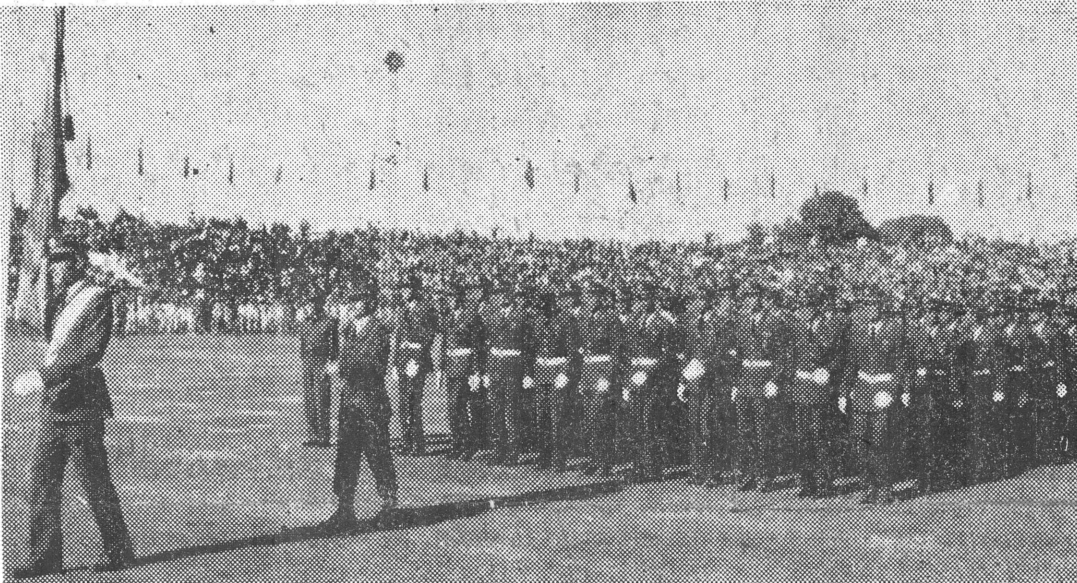
نما یندگان مختلف سازمان های جوانان دموکرات جهان در بیاناتشان همبستگی عمیق خود را از انقلاب افغانستان تحت رهبری‌حزب طبقه‌کارگر وهمه‌زحمتکشان کشوروفیق‌ببرك‌كارمل منشی عمومی کمیته مرکزی ح.د.خ.ا، رئیس شورای انقلابی و صدراعظم ج.د.ا ابراز داشتند .

باوژه پیشاهنگان وستون‌های گوناگون جوانان جشنوارهٔ بزرگ آغاز یافت وژه پیشا هنگان وجوانان از نظم و انظباط انقلابی‌گسترده یی برخوردار بود

(ص۳)



رفیق سلطانعلی کشتمند عضو دفترسیاسی کمیته مرکزی ح.د.خ.ا ،معاون شورای انقلابی و معاون صدراعظـــم ج.د.ا، حین ایراد بیانیه خویش درختم میتنگ پرشکوه جوانان کـه‌با شورو هیجان زیاد استقبال گردید.



جوانان انقلابی قوای مسلح ج.د.ا درحال رژه‌جشنواره پرشکوه س.د.ج.ا.

رویداد های جهان

محصلین پو هنتون پشاو رشعا ر میداد ند : «زنده با د انقلاب افغانستان»

محصلین پوهنتون پشاور طی یـــك گردهم‌آیی که روز ۳۱ سنبله در آن پوهنتون برگزار گردند حمایت قاطعانه شانرا از انقلاب‌افغانستان‌و انقلاب‌ایران ابراز داشتند .

دراین گردهم آیی که محصلین مربوط به‌احزاب نشنل پروگرس، نشنل پارتی‌و پیپلز پارتی پاکستان شرکت داشتند طی سخنرانی های ضدیت خویشراعلیه امپریالیزم استعمار و فیودالیزم اعلام کرده و پشتیبانی شانرا از انقلابـــات افغانستان و ایران ابراز نمودند.

آنها همچنان مبارزه مردم فلسطین‌را به‌خاطر آزادی تاکید نموده و خـواستار مجازات برای قاتلان نذیر عباسی رئیس اتحادیه محصلین سند و معاون اتحادیه فدرال محصلین پاکستان که‌در اثـر شکنجه در محبس جان خودرا از دست داده شدند.

طی گردهم آیی مذکور محصلین‌شعار میدادند که زنده باد انقلاب افغانستان زنده باد انقلاب ایران ، زنده‌باد مبارزه مردم فلسطین به خاطر آزادی مرده باد امپر یالیزم ،مرده‌بادضیاء الحق،مرده‌باد مارشلا، ومرده بادقاتلان نذیر عباسی.

در اخیر محصلین‌به حکومت پاکستان اخطار دادندکه به مطالبات‌آنها تاده‌روز جواب بگوید ورنه به اقدامات جـــدی متوسل خواهند شد .

محصلین از حکومت پـــا کستان خواسته اند که در پوهنتون پشاور وسایر پوهنتونهای پا کستان اجازهٔ ایجاد اتحادیه ها و انتخابات داده شود.

هـمچنان به‌آنعـده از استادان و کارکنان‌پوهنتون ها خاصتا پو هنتون پشاور که ازلحاظ سیاسی برطرف شده اند اجازه بازگشت به وظایف شان داده شود.

پوهنگی های انجنیری وزراعت در پشاور به پوهنتون تبدیل شود . محصلین‌گفته اندکه‌هرگاه به خواسته های آنها جواب مثبت داده نشود امور نظم پوهنتون رابد ست گرفته وهرگاه پولیس وقوای عسکری در زمینه مداخله نمایدآنها رادر صنوف درسی محبوس خواهند ساخت.(ب)

افشای ٥٥ دروغ درمورد افغانستان

مبارزه از راه نشر اطلاعات نادرست وبدگویی که در غرب علیه افغانستان به‌راه انداخته شده از طرف پاتـریس بالدیك خبرنگار خاص مـجله جوانان فرانسه» مورد انتقاد قرار گرفتـــه است .

نامبرده دریك کنفرانس مطبوعاتی درپاریس گفته،وی‌دوماه در افغانستان توقف داشته درین مدت از پنج ولایت افغانستان بازدید و با عدهٔ زیادی‌از نمایندگان کارگران،دهاقین ،شخصیت های سیاسی و مذهبی ملاقات نموده است.

پاتریس پالدیك متذکر شده‌شواهدی در دست دارد که نشان میدهد رسانه های خبری فرانسه‌با ارتباط به حوادث افغانستان دروغ پردازی می کند.

وی بصورت نمونه به مقاله هایـــی اشاره کرده که برای‌دوماه‌در روز نامه لوموند نشرشده وحاوی چهل و پنج اطلاع نادرست می‌باشد .

وی خاطر نشان گرده‌که مـــردم افغانستان حملات اشرار رابه صورت قاطعانه دفع گرده اند .وی متذکرشده اشرار حملات راهزنانه یی رابرقصبات مرتکب می شوند،شفاخانه ها و مکاتب

(ص ٤)

تلگرام تبریکیه به‌انقره

ازطرف ببرك كارمل منشی عمومی کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان، رئیس شورای انقلابی‌و صدراعظم جمهوری دمو کراتیک افغانستان تلگرام تبریکیه عنوانی جنرال کنعان افران بمناسبت احراز کرسی های مقام عالی دولت، قوماندانی قوای مسلح وریاست شورای امنیت ملی جمهور ی ترکیه به انقره مخابره گردیده است.

ببرك كارمل دراین تلگرام تمنیات نیك شانرا بخاطر انکشاف مزید روابط متعنوی ودوستانه بین‌مردمان‌هردوکشور به نفع صلح جهانی ابراز داشته اند.

(ب)

خلق افغانستان از انقلاب دفاع میکند

رفیق ببرك كارمل در آ غازفبروری (۱۹۸۰) مصاحبه ذیل را با نما ینده مجله « مسا یل‌صلح و سوسیالیزم» بـه عمل آورد :

(قسمت دوازدهم)

چگو نه می توا ن از ایـــن‌واقعیت چشم پوشید که د ر جهان بین نیرو ها ی انقلا بی‌و متر قی از یکطرف و نیر و های‌ارتجاع و امپریا لیز م ازطرف دیگر مبارزا ت جد ی در گیر است که این‌مبارزا ت‌مستقیماً در سر نو شت کشور های غیر منسلك منجمله‌کشورهای اسلا می مؤثر مـــی باشد.

قرار گرفتن در مو ضـع «ناظر بیطرف» دراین مبارز ه یقیناً به امپر یا لیست ها کمك‌میکند تاتو جه کشور ها ی اسلامی را از تهد ید خطـــر ناك ناشی از معامله بیگن و سادا ت‌و ادعای کار تر د رمورد« منافع مهم حیا تـــی امریکا» در منطقه اوقیانو س‌هند و خلیج فارس و مسا له به اصطلاح دفاع نظا می‌از این«منافع» منحرف بسازند .

بعضی از شر کت کنندگان‌کنفرا نس اسلا می به طـــور آشکار شعار ها ی‌تبلیغا تـــی، صدا ها ی امپریا لیستی ، و مطبوعا ت چینی را در مو رد«تجاوز اتحاد شو روی بـــه منطقـــه ممنو عـــه» یعنی جهان سوم عنوا ن کردند.

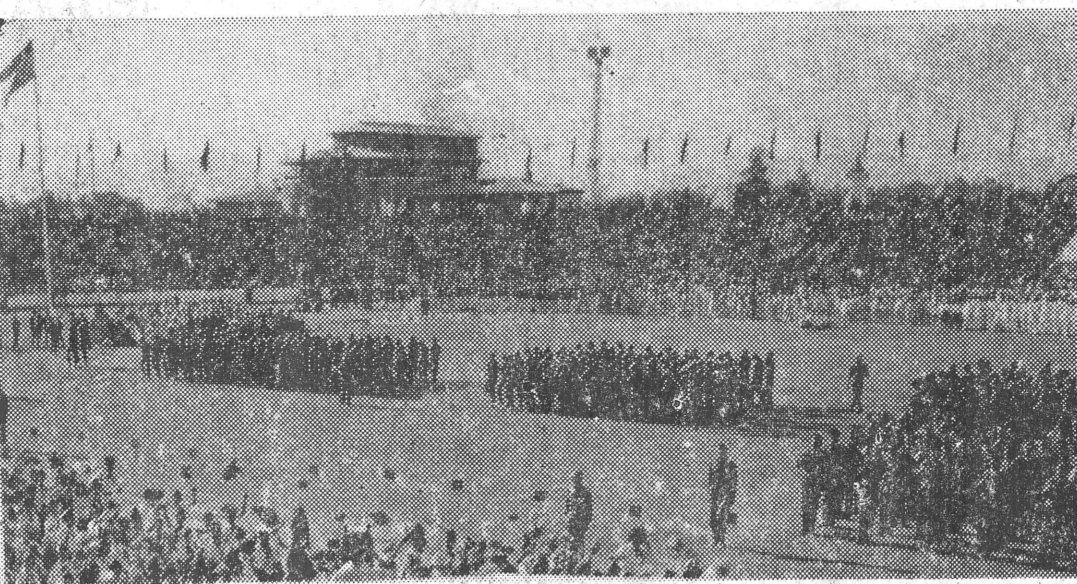
ولی ما افغا نها میدانیم که‌اتحاد شو روی به‌سیاستی که در ۱۹۱۷ بو سیله شو ر ا ی‌کمیسار های خلق جمهور ی جوان شو روی ، طبق‌ابلا غیه«خطاب به‌ز حمتکشا ن‌روسیه وشرق» که در آ ن تذ کـــر میرود:«شما خود تا ن با ید زند گی خودرا به همان شکلی‌که تمایل دارید بسازید . این حق قانو نی شماست چـــو ن‌سر نو شت شما در اختیا ر خود شماست» ، کا ملاوفادار‌می باشد.

اکنون ما در افغا نستا ن،واقعاً امکا نات آنرا که سـر نو شت خودرا تعیین‌وز ندگی‌خو یشرا تنظیم نماییم بدست آورده ایم .

در حقیقت، مگر مفهو م‌جهان‌اسلام در ربع اخیر قر ن‌بیست باید باعقب ما ند گی‌وجهالت‌مر بوط شود ؟ ماتصمیـــــم گرفته ایم در کشور خو یش‌به عقب ما ند گی خا تمه‌دهیم ولی امپریا لیست ها،ماؤیست ها و مر تجعین دریك ائتلا ف نا مقدس تلاش دارند سد راه‌ماشو ند که این چیز ی به جز از مدا خله در امور دا خلـی‌مانمی باشد،و چو ن این تلاش ها توام با عملیا ت نظا می ،می‌باشد ، چیز ی‌به جزء‌تجاو ز شمرده شده نمی‌تواند .

در رابطه با اتحاد شو روی‌باید تذکر داد که اتحـــا د شو روی به ماکمك میکند تااز راهی که بر گزیده ایم دفاع کنیم وما عمیقاً از ایشـــا ن ، متشکریم.

(ص ۳)



دهها هزار نفرازجوانان پرشورکشور در میتنگ و جنشواره س. د. ج.ا.شرکت ورزیده بودند .

هوشیاری بیشتر، دشواری کمتر!

انقلاب ثور ، رستاخیز رنجهای بیکران چندین قرنه‌و مبارزات بی امان مردم‌زحمت‌کش افغانستان است ، نه چانس و تصادف و نه هم صرفاً یك یورش غافلگیرانه‌بر دژ ارتجاع و استبداد قرون وسطایی .

تاریخ معاصر نشان میدهد که طی دو قرن اخیر در افغانستان مطامع آزمندانه استعمار و امپریالیزم جهانی با منافع و امتیازات غارتگرانه ارتجاع ارباب ـ رعیتی‌و استبداد سیاه گره می خورد .

در دوره یی افغانستان سنگری برای حفظ سرزمین افسانوی هند پهناور در دست لاشس خوران‌استعمارکهن تلقی میگردید و عرصه این‌به اصطلاح «بفرا یریا» یا «بفرستیت» آماج توطئه های لاینقطع پنهان‌و آشکار استعمارگران انگلیسی و رقبای همدو را نش بود که

عمدتاً از طریق تشدید نفاق ملوك الطوایفی و سیاست اداره استعماری« تفرقه بیانداز و حکومت کن» حلقه استبداد و ارتجاع نوکر صفت را بر گردن آزاده مردم افغانستان سخت فشرده نگهمیداشت ، البته زنجیری که از این‌حلقه امتداد می یافت به لندن میخ شده بود .

در دوره دیگر ، کوهساران شامخ و سر به فلك کشیده این‌کشور ، بمثابه بخشس مهمی از دیوارمحاصره جهان مترقی وانقلابی به شمار می رفت . دزدان خلیج و منابع زیر زمینی های خاور میانه خفاشس وار علیه طلوع آفتاب بر صخره ها و ستیغ های‌این کشور قرار میگرفتند ، بنا براین ازهر چه‌استبداد،ارتجاع

و تاریکی بود ، در آن مدافعه میکردند . لذا همان حلقه کماکان بر گردن مردم دلیرو ترقیخواه افغانستان باقیماند ولی زنجیر امتداد یافت وبه واشنگتن کشیده شد .

خلق آزاد یخواه و تعالی طلب افغانستان طی تمام این دورانها شجاعانه وقهرمانانه با قبول هر گونه قربانیها به خاطر در هم شکستن این حلقات ننگین غلامی استبدادو ارتجاع قرون‌وسطایی وارتباط زنجیری آن با استعمار و امپریالیزم جهانی رزمیدند که عمدتادرسه‌پیکار مسلحانه ملی‌علیه‌سیطره طلبی‌وحشیانه استعمارگران انگلیسی ، در امواج نهضت های مشروطه خواهی و دموکراتیك وبالاخره در تلاطم دورانساز جنبشس نجات بخشس ملی و اجتماعی به شرکت و به رهبری حزب طراز نوین کارگری درکشور حزب دموکراتیك خلق افغانستان ـ درخشید و در انقلاب شکوهمند رهایی‌بخشس ثور به پیروزی‌عظیم و برگشت ناپذیر دست یافت .

اینك دو سال و پنج ماه‌از این روز میگذرد .

طی این مدت ، جامعه افغانستان صرف نظر از تحولات ژرف‌دیگر ، عظیمترین تحول سیاسی را انجام داده است .

جامعه یی که در تاریکی قرون وسطایی‌از لحاظ سمعی به خواب سنگینی فرو رفته بود به مقیاس جهانی بیدار شده آخرین کلام سیاست جهان را به زبان دارد .

ارگان پوسیده استبداد در آن فرو ریخته و نقش‌گندیده فیودالیزم به‌گورستان‌تاریخ سپرده شده است .

توده های مردم ، رهبران و پیشس آهنگان‌آنها درپیچاپیچ نبرد انقلاب وضد انقلاب در کوره ها ودر توفانهای حوادث روز های انقلاب‌تجارب گسترده و آبدیدگی شگرف کسب کرده اند .

ارتجاع سر نگون شده ، استبداد پرستان و سلطنت طلبان ، فیودالها وبیروکرات های عالیرتبه فاسد رژیم‌کهن که در آغوش جهان کهن ، در آغوش ارتجاع جهانی و امپریالیزم جهانخوارگریخته بودند یکجا با باداران تاریخ زده و محکوم به زوال شان انواع شیوه ها وسلاح های جنگ سرد و گرم را علیه انقلاب ثور به کار گرفتندولی علی الرغم رنج وماتم، ویرانی و آتشس سوزی ، دهشت و وحشتی‌که به یادگارگذاشتند بطور یك‌کل ، بانگ‌وافتضاح در هم شکستند و اینك ، طوریکه رفیق ببرك کارمل بار ها و با بانگ رسا اعلام داشته اند ، هیچ قدرتی در منطقه و درجهان وجود ندارد که انقلاب افغانستان راولویك گام هم به عقب بر گرداند .

حزب و مردم افغانستان ، بزرگترین مکتب مبارزه‌انقلابی را باتحمل دشواریهای‌بزرگ پیروزمندانه طی کرده ودر آزمایشهای سخت‌وبیرحمانه باثبات رسانیده اند که دستاورد قربانیهای فراوان خود ونسل های پیشین شان یعنی انقلاب شکوهمند ثور و اصالت آنرا با قربانیهای لازم و با کمك فداکارانه‌تمام دوستان آزادی و ترقی خود با مساعدت بیدریغ بشریت مترقی و در پیشاپیشس آن اتحاد شوروی بزرگ حراست میکنند و تکامل می بخشند .

هر چند راه فردا نیز هموار و عاری از پیچ و خم ونشیب و فراز نیست هرچند ارتجاع و امپریالیزم با دیوانگی مطلق و وحشیگری تمام هنوز هم مقاومت میکنند معهذا افغانستان نوین ، افغانستان آزاد و سر بلند .

افغانستان صلح و کار ، افغانستان غنا و رفاه با ایمان و اطمینان تزلزل ناپذیرچهره گشوده و بر قهرمانان شهیدان و آفرینندگان خود از همین اکنون شاد باشس میگوید .

حزب ، نیرو های انقلاب و در مجموع‌تمام مردم‌انقلابی عدالت جو و ترقی خواه ، افغانستان بخصوص پس‌از مرحله نوین انقلاب به‌مصداق این رهنمود که«درلحظه بسیار دشوار کنونی برای انقلابیون خودرا فریب دادن بزرگترین زیانها می بود » عمل کرده و با فرا چنگ آوردن پیروزی های نوین بیشتر بر آن‌منهمك میگردند و باید منهمك‌گردند.

ارزیابی لاینقطع تجارب ، شناخت ورفع سریع و بموقع اشتباهات و استواری‌خدشه ناپذیر به اصول و اخلاق مبارزه ، غلبه بر عادات و امراض ارثی دوران کهن ، دفع و طرد قاطع زهرنان صادر شده از خارج ، ازمرداب گندیده امپریالیزم ،شوونیزم و ارتجاع منطقه وخنثی کردن هوشیارانه سموم گرد باد چرکین و کثیف تبلیغاتی ارتجاع سیاه و «سیا» از اهم ضرورت های نبرد فیصله‌کن و آفریننده کنونی ماست .

پیروزی قطعی است ولی باید هوشیاری را ده ها و صدها مرتبه بیشتر ودشواری را ده ها وصدها مرتبه‌کمتر کرد .

استقلال

استقلال چیست ؟ استقلال یعنی حاکمیت توده ها ، سیطره آنها بر سر نوشت خود ، حق آنها در تعیین سر نوشت خود ، حق آنها در تامین منافع و مصالح خویشس . ملتها ، خواه بزرگ و خواه کوچك ، از لحاظ حقوقی که هر ملتی باید از آن برخوردار باشد ، متساوی هستند .حق حاکمیت وتعیین سر نوشت خود ، حق‌صیانت منافع و مصالح ملی خود ، از حقوق اساسی ملتها ست . ملتها ، در برخورداری از این حق بایکدیگر متساوی هستند .

به گفته یی :

«هر ملتی ـخواه بزرگ و خواه کوچك ، دارای‌صفات خاص و خطوط مشخصه یی است که مختصراً به او تعلق دارد و ملتهای دیگر فاقد آن هستند . این مختصات عبارت از تاییداتی است که هر ملتی نسبت به گنجینه مشترك فرهنگ جهانی کرده و آنرا تکمیل نموده و غنی ساخته است . از این بابت کلیه ملتها خواه بزرگ خواه کوچك ، در وضع همانندی هستند و هر ملتی با ملل دیگر مساوی است .»

بدینسان نمی توان آنطور که نظریات نژادی تبلیغ میکند با ادعای مختصات عالیه یی برای یك قوم و انکار آن مختصات برای اقوام دیگر معتقد به برتری ذاتی و فطری ملتی بر ملت دیگر شد و امپریالیسم و استعمار را به منزله قانون ازلی طبیعت و شرط اساسی تنازع بقا جلوه گر ساخت .

از انگلوساکسنها واسلاوها و ژرمنها گرفته تااسکیموها وبوشمنها و پاپوازها هر ملتی حق دارد ، آزاد ، و مستقل ، حاکم بر سرنوشت خود زندگی کند .

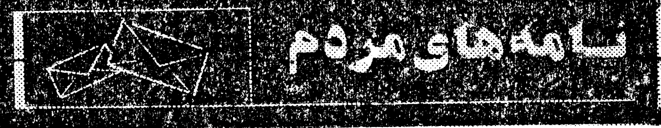
در اینجا باید ملتها را از غاصبین ملتها جدا ساخت . در جامعهٔ طبقاتی بر گرد ملت وبالای سر او گروهی از غاصبین و انگل ها دیده می شوند . ملت یعنی آن مردمیکه در کار خلاق مادی و معنوی هستند ، برای تکمیل و غنی ساختن گنجینه فرهنگ ملی خود و فرهنگ مشترك جهانی در کارند . غاصبین محصولات مادی و معنوی ملت ، انگلها و بیکاره ها را نمی توان از ملت دانست همان طور که حساب عشقه ازدرخت وشته از میوه جداست به همین جهت نباید منافع ملتها را که پیوسته در تطابق و توافق کامل با منافع ملت های دیگر است با منافع غاصبین و طفیلی ها مخلوط کرد . منافع ملتها با هم‌توافق دارد زیرا ثروت و فرهنگ انسانی را همکاری ملتها سرشار تر میسازد . منافع ملتها باهم توافق‌داردزیرا درشرایط صلح دموکراتیك ، همکاری دموکراتیك ، حاکمیت ملتها و استقلال آنها به نیکوترین وجهی تامین میشود . ولی منافع غاصبین و انگلهای هر ملتی با غاصبین وانگلهای ملت دیگر تضاد دارد زیرا در شرایط نفاق ، در شرایط آشفتگی در شرایط استعمار و بردگی‌ادامه‌زندگی غاصبانه و انگل منشانه میسر تر است. به همین جهت حاکمیت و استقلال واقعی با انترناسیونالیسم و جهاندوستی مخالف نیست و این حاکمیت و استقلال غاصبین و انگلهاست که به صورت یك ناسیونالیسم و ملت پرستی محدود و تنگ نظرانه و مبتنی بر تیوریهای نژادی و دشمنی ونفاق بین ملتها درمی آید .

استقلال و حاکمیت یك ملت با شرایط اقتصادی‌حیات یك ملت بستگی دارد . اگر ملتی در اسارت اقتصادی کشور دیگری باشد نمیتواند بر سر نوشت خود حاکم گردد . در دوران امپریالیسم یك چند کشور بزرگ ، که خود تحت کنترول بانکداران معدودی هستند . تارهای عنکبوتی خود را بر جهانی می تنند و همه کشور ها ، خواه بزرگ خواه کوچك در اسارت اقتصادی ، دردام سود ورزی آن چند کشور معدود هستند . امپریالیسم به قصد تاراج ثروت ملی کشور ها به دست آوردن بازار فروش ، میدان های اقتصادی منابع خام ، کارگر ارزان به توسعه طلبی میپردازد و دچار مالیخولیای تسلط بر جهان میشود . جهان گیری امپریالیسم گاه آشکاراست و به صورت اردو کشی در می آید و گاه مخفی است و به صورت اعمال نفوذ دیپلماسی بروز میکند .

وقتی کشوری در ابواب جمع امپریالیسم بود مساله حاکمیت در آن کشور هاخواب و خیال است .

وقتی ما از استقلال اقتصادی صحبت میکنیم‌نباید این مفهوم را با اوتارشی اشتباه کرد و تصور کرد که ما میگوییم بایدهرکشوری ازلحاظ اقتصادی خود را تکافو کندو کوچکترین‌نیازی به کشور دیگر نداشته باشد رسیدن به یك اوتارشی‌کامل اقتصادی‌امروزه تنها برای کشور هاییکه تنوع عظیم امکانات اقتصادی در داخل آنها موجود است (مانندانحاد جماهیر شوروی و امریکا) مقدور است . در شرایط کنونی ، کشور هاهر قدرهم که اقتصاد خود را ترقی دهند به کشور های دیگر نیاز مند خواهند بود . ماهر گزخیال

بقیه درصفحه۲



محترم مدیر مسوول «حقیقت انقلاب ثور»!

از دو شنبه گذشته به اینطرف برق ساحه سرك اول الی چهارم میرویس میدان قطع شده است . از ین جهت مردم این ناحیه با مشکل تنویر تسخین و غیره مواجه هستند که تا کنون مقامات مربوط باوجود عاجل بودن مساله بدان توجه نکرده اند . درضمن مراجعات ما به اداره مربوطه مدیر اداری برق کابل گفت که باید برای حل این مشکل مراتب اصولی آن طی شود و ما نمیدانیم که تا طی «مراتب اصولی» چطور رآکنیم ، در حالیکه برق در زندگی شهری یك ضرورت حیاتی است . با در نظر داشت اینکه روز نامه «حقیقت انقلاب ثور» خواستهای مردم را انعکاس میدهد شکایت خود به شما ارسال وخواستاریم در زمینه باریاست برق کابل در تماس شده به حل مشکل ما بپردازید .

با احترام

عده یی از باشندگان میرویس میدان

باشندگان محترم میرویس‌میدان !

ما برای حل مشکل شما ابتدا با معاون فنی ریاست برق کابل در تماس شدیم ولی‌موصوف وعدهٔ مشخص نداده حل آنرا به «آینده نزدیك»موکول کرد . سپس موضوع رابامعین‌برق وزارت آب وبرق در میان گذاشتیم . وی در پاسخ گفت : چون عامل قطع‌شدن برق این منطقه سوختن یك برق است یکی دو روز ماصرف بررسی علت حادثه شده و حال با کمال جدیت‌وبا استفاده از تمام امکانات مصروف ترمیم آن بوده باوجود مشکلات اداری ، پولی و تخنیکی تا روز پنجشنبه حتماًآنرا فعال خواهیم ساخت . باشندگان محل میتوانند ازجریان کار دیدن نموده در صورت مشاهده نارسایی‌و یا غفلت از جانب موظفین به من (معین برق وزارت آب‌وبرق) اطلاع دهند .

جنگ سرد و محتوی آن

اصطلاح «جنگ سرد »در دوران پس از جنگ دوم جهانی بمیان آمد و مقصد از این اصطلاح وضع وخامت‌آمیز و متشنجی است که طی بیست سال پس از جنگ در اثر اعمال سیاست «از موضع قدرت» از طرف کشور های امپریالیستی ، نسبت به کشور های سوسیالیستی وجود داشته و اکنون نیز تلاش برای احیای جو «جنگ سرد» ادامه دارد .

محافل تجاوز کار امپریالیستی از «جنگ‌سرد» برای نظامی کردن اقتصاد و تشدید «مسابقه تسلیحاتی » برای ایجاد زمینه و بهانه مساعد بمنظور دست زدن به اقدامات بی بندو بار و تجاوز نظامی و سر کوب جنبشس های انقلابی ، برای کمك به نیرو های محافظه کار و ارتجاعی‌در حفظو تحکیم‌مواضع ستم و غارت استفاده کرده اند .

محور ایدیولوژیك جنگ سرد ضدیت با ترقی و انتی سوویتیزم (روشس ضد شوروی) است . محافل امپریالیستی «جنگ سرد » را وسیله پیشس‌کشیدن دعاوی تلافی جو یانه درموردمرزهایی که پس از جنگ دوم جهانی در اروپا بوجود آمد قرار دادند وبا اجرای«جنگ روانی» و دست زدن به دسایس و تحریکات و اقدامات وسیع تخریبی و جاسوسی ، به عبث کوشیدند تا کشور های سوسیالیستی را به قبول این دعاوی تجاوز کرانه وادارند .

ایجاد پیمانهای تجاوز کار نظامی در سراسر جهان محاصره نظامی و اقتصادی کشور های سوسیالیستی، بر سر کار آوردن رژیمهای نیوفاشیستی و ضد مردمی در کشور های تحت نفوذ امپریالیزم و ایجاد پایگاههای مختلف‌و توسل به‌شانتاژاتمی و غیره از جوانب مختلف سیاست امپریالیستی جنگ سرد است .

جنگ سرد با مشخصات فوق با الهام از نطق وینستون چرچیل نخست وزیر اسبق انگلستان در «فو لتن» آغاز شد . جان‌فاستردالس‌وزیر خارجه‌اسبق امریکا با طرح سیاست «بازی بر لب پر تگاه جنگ» و «غلطاندن نیرو های پیشرو به‌عقب» و«باز داشتن ترقی» اجرا عملی الهامات چرچیل را بعهده گرفت .

افزایشس سریع بودجه‌های جنگی و سیاست تسلیحاتی وسیعی که در تاریخ بشر بی سابقه است از طرف امپریالیستها ، بویژه امپریالیستهای امریکا ،آغاز گردید .

سر کوب جنبشس ملی و دموکراتیك در یونان ، ایران گواتیمالا ، مالیزی کنگو ، سن دومینیك برازیل ، اندونزی ، عراق ، جنگ تجاوز کارانه علیه خلق های کوریا و یتنام لاوس ، کامبوچ، سوریه ، عدن ،اتوپی انگولا ، خلق افریقای جنوبی ، السلوادور و غیره‌تحریکات ضد انقلابی درجمهوری دموکراتیك آلمان ، مجارستان ، پولند ، چکوسلواکی ، یعنی حوادث و ماجرا هایی که منجربه نابودی‌دهها و صد ها هزار نفر گردید فهرست ناقصی است از اقدامات تبهکارانه استراتژ های جنگ سرد طی سال های تسلط آن ، این یك تبهکاری بی نظیر امپریالیزم و یك خیانت فجیع وی به ان همه جانهای نثار شده علیه فاشیزم در دوران جنگ دوم جهانی بود که مایل بودند جهان‌پس از جنگ ، جهان صلح‌وهمکاری ملل باشد .

محافل تجاوز کار امپریالیستی امیدوار بودند که با حربه «جنگ سرد » سرمایه داری را از مشکلات متعدد آن نجات دهند وبرعکس نیرو های مترقی را دچار مشکلات درونی سازند و زمینه مساعدی برای پیشرفت هدفهای پلید خود در جهت امحای کانون صلح و ترقی بوجود آورند و آنچه را که طی جنگ دوم جهانی بدان نایل نیامدند ، تحقق بخشند.

باید انصاف داد که محافل تجاوز کار امپریالیستی و دست نشاندگان آنها در راه اجرای‌سیاست‌دوزخی‌وابلیسی «جنگ سرد» با حرارت،ابتکار با تمام قواواز دل و جان کوشیدند ولی این سیاست نتوانست و نمیتواند آنها را به مقصد برساند .

در همین دوران جنگ‌سرد نه فقط نیرو های مترقی تضعیف نه شدند بلکه مبارزات رهایی بخشس در بسیاری از کشور های جهان به موفقیت رسید . مواضع امپریالیزم در یك رشته از کشور های آسیا و افریقا و امریکای‌لاتین تضعیف گردید سیستم جهانی مستعمراتی امپریالیستی فرو ریخت جنبشس مترقی جهانی بقدرتی بی سابقه رسید . احزاب انقلابی و دموکراتیك تقویت شدند ، قدرت اقتصادی ، فرهنگی و نظامی کشور های سوسیالیستی با سرعت شگرفی فزونی‌یافت .برعکس

در همین دوران بحران‌سیستم امپریالیستی تشدید شد و رقابت بین امپریالیستها حدت یافت . بحران انرژی و ارزی ، تورم ، بیکاری ، گرانی به بلیه عام کشور های سرمایه داری مبدل گردید ، تمام آذین بندیهای سرمایه داران و روشنفکران فروخته شده بیك سیستم ضدانسانی نتوانست جراحات عمیق آنرا پوشیده سازد .

پس از سال ها دوران جنگ سرد اخراعی آقایان چرچیل ، دالس و شرکاء با اطمینان میتوان گفت : هرگز نیروی صلح‌ترقی‌و دموکراسی در تاریخ بشر این اندازه مقتدر نبوده و هرگز کشور های سرمایه داری پیشرفته تا این حد نااستواری سیستم اجتماعی خود را نشان نداده بودند !

در اینجا یك‌نکته را بجاست یاد آورشویم : در مطبوعات بورژوایی گاه به این دعوی از جانبی مضحك ولی از جانب دیگر و قیحانه بر خورد می کنیم که گویا این اتحاد شوروی است که « جنگ سرد» را براه انداخته‌است و حالا هم اوست که میخواهد آنرا خاتمه دهد !! اگر گویندگان این دعوی دچار خبط‌دماغ نباشند باید گفت عوامفریبان سفیهی بیشس نیستند تا زیخ

بقیه درصفحه۳

بقیه صفحه اول

خلق افغانستان از انقلاب...

ماعقیده راسخ داریم که دراثر مبارزه ماو همبستگی کلیه نیروهای انقلابی باما، این تیره گی بر طرف خواهد گردید و گمراهان فعلی به ماهیت واقعی حوادث افغانستان و کمك اتحاد شوروی پی خواهند برد.

تاجاییکه به ما افغانها مربوط میشود، ما به طور پیگیر سعی خواهیم کرد که براساس سیاست خارجی ماواز طریق توسعه همبستگی کلیه نیروهای انقلابی جهان، همه حوادث کشور ما را به نحوه حقیقی آن درك نمایند.

سیاست خارجی ما درست در نقطه مقابل سیاست فتنه گرانه امین که میخواست، مخالفت بین افغانستان، و کشورهای همجوار را دامن بزند قرار دارد. ما مبارزه لاینقطع خود را درجهت نورمال ساختن مواضع سیاست خارجی کشور خویش ادامه خواهیم داد.

میخواستم واضح بسازم برای ما افغانها این مطلب که امپریالیست ها بر حوادث از موضع طبقاتی خویش بر خورد میکنند تعجب آورر نیست.

ماعقیده جدی داریم که عکس العمل امپریالیست هاو اولتر از همه عکس العمل محافل حاکمه امریکاوهمچنان پکن در قبال حوادث اخیر در کشور ما و در مورد کمك اتحاد شوروی به افغانستان در مقیاس وسیع تری، در مقیاس استراتیژی عمومی ایشان در عرصه بین المللی در سالهای اخیر مطرح گردیده است.

در حقیقت امر اولتر ازهمه امریکاو حکومت کارتر در جهت احیای «جنگ سرد» و تشدید مقابله نظامی باکشورهای سوسیالیستی ودر قدم اول با اتحاد شوروی گام برمیدارد.

دلایل ذیل اهداف تجاوزکارانه محافل امپریالیستی راگواهی میدهد:

تأخیر مذاکرات سالت دوم، تلاش در جهت نفی این قرار داد، پلان ساختمان بم نیوترون وساختمان طیارات بم افگن «بی یك»، تحمیل راکت های هستوی امریکایی بالای اروپا ودر منطقه ما توطئه کمپ دیوید ایجاد سازش نظامی مصر و اسرائیل در ضدیت باجنبش آزادی بخش خلق عرب، افزایش نیروهای نظامی در بحر هند ودراین مورد سوء استفاده از «بحران ایران» تصمیم به ایجاد «نیروی ضربتی سریع العمل» حتی قبل از انقلاب در ایران، آغاز ائتلاف نظامی باپکن، مبارزه ازطریق تحمیل محدویت های اقتصادی «واضح میسازیم که برای اولین بار در رابطه بایك کشور فقیر چون افغانستان از جانب بازار مشترك و حکومت امریکا تحریم مواد غذایی تطبیق گردید» از اینجاست که ما عقیده داریم که اگر هم حوادث افغانستان واقع نمی گردید برای به وخامت کشانیدن اوضاع بین المللی وگسترش توطئه مقابله باشوروی بهانه های دیگری، عنوان میشد.

باقیدارد

بقیه صفحه ۲

استقلال

نمیکنیم که داشتن پیوند های اقتصادی با کشورهای دیگر مانند تجارت، وام گرفتن ایجاد شرکتهای صنعتی و تجاری، وقتیکه همه این اقدامات مبتنی بر احترام به حاکمیت و بر اساس تساوی حقوق باشد ناقض استقلال است. عزلت جویی (ایزولاسیو نیزم) را ما موعظه نمیکنیم و آنرا ممکن نمیدانیم. مساله بر سر این است که باید ارتباط اقتصادی و سیاسی بین ملتها، ارتباط دموکراتیك، ارتباط مبتنی بر احترام حاکمیت و تساوی حقوق باشد و هر چه این ارتباط بیشتر توسعه پیدا کند به عنوان نشانه از توسعه همکاری ملتها، مفید است.

امپریالیسم باتوجه به همین اصل «استقلال اقتصادی پایه محکم استقلال سیاسی است.» نه فقط بابر قرار کردن روابط استعماری در ارتباطات اقتصادی بلکه با عقب مانده نگه داشتن سیستمهای اقتصادی کشورهای مستعمره میکوشد تا پایه استقلال سیاسی آنها را دایماً متزلزل نگه دارد.

امپریالیسم نه فقط درخفا بلکه آشکارا نیز لزوم حاکمیت ملتها را منکر میشود. سیاست تجاوز امپریالیسم به حاکمیت ملتها به قدری عیان است که دیگر زیرکی عبارت ازمستور نگهداشتن آنها نیست بلکه عبارت ازتوجیه سفسطه آمیز آنهاست. کارل شمیدت یکی از «حقوق دانان» فاشیست سعی میکرد قانع سازد که در شرایط تولیدی نوین استقلال دولتهای سابق معنی خود را از دست میدهدو باید ازدست بدهد. ملت آقا و نژاد عالی در جستجوی «فضای حیاتی» حق دارد که استقلال ملت ها را پامال سازد. همین تیوری ننگین را امپریالیسم منتها بالفاظیهای نوع جدید تکرار میکنند.

اشتهای تمام نشدنی و هاضمه شگرف غول امپریالیسم درست در شرایطی که عصر گذار از سرمایه داری به سوسیالیسم عصر قیام توده ها عصر نجات ملی، عصر تامین حاکمیت و استقلال است شدید تر شده وفرمول های استقلال شکن و استعمار طلبی آشکارتر میگردد.

به همین دلیل نمیتوان استقلال جویی را در اوضاع و احوال امپریالیسم از نبرد بر ضد امپریالیسم مجزا کرد و نمیتوان باور داشت که غیر از مجاهدین ضد امپریالیست استقلال جویان واقعی و در خوردی وجود دارند.

(بقیه ص اول)

جشنوارهٔ باشکوه...

متعاقبا نوبت به بخش نمایشات ورزشی وهنری که دارای غنای کیفی وسیعی بود، رسید.

جشنوارهٔ بزرگ جوانان به شکل بسیار ساده این واقعیت را برجسته می کرد که س.د.ج.ا از نفوذ ورسوخ عظیمی در بین جوانان کشور برخوردار است.

وعلاوه براین مادریافتیم که درکشور عقب گذاشته شدهٔ ما به مقیاس کشور های دیگر جهان چه استعداد های جوان وپرشوری وجود دارد. استعداد هایی که بایدروی آن حساب کرد، به غناورشد آن همه جانبه کمك نمود.

آنچه ما دریافتیم این بود که بسیاری با در نظر داشت واقعیات گذشته حتی نمیتوانستند تصور نمایند که چنین جشن بر پا شود.

بخصوص این جشنواره ازجهتی مهم است که با وجود اشتباهات و کجروی های گذشته که حتی روان جوانان نیز ازانواع زجرو آزار در امان نبود اینهمه شور، شوق، هیجان وایمان فضای کشور رامی انبانید همه اینها به این معنی است که: مردم با انقلاب اند، مردم آرامش شانرا پس ازمرحلهٔ نوین باز یافته اند.

به این معنی است که:

حزب وسازمانهای اجتماعی دستیار آن- پیشوای واقعی توده هاست.

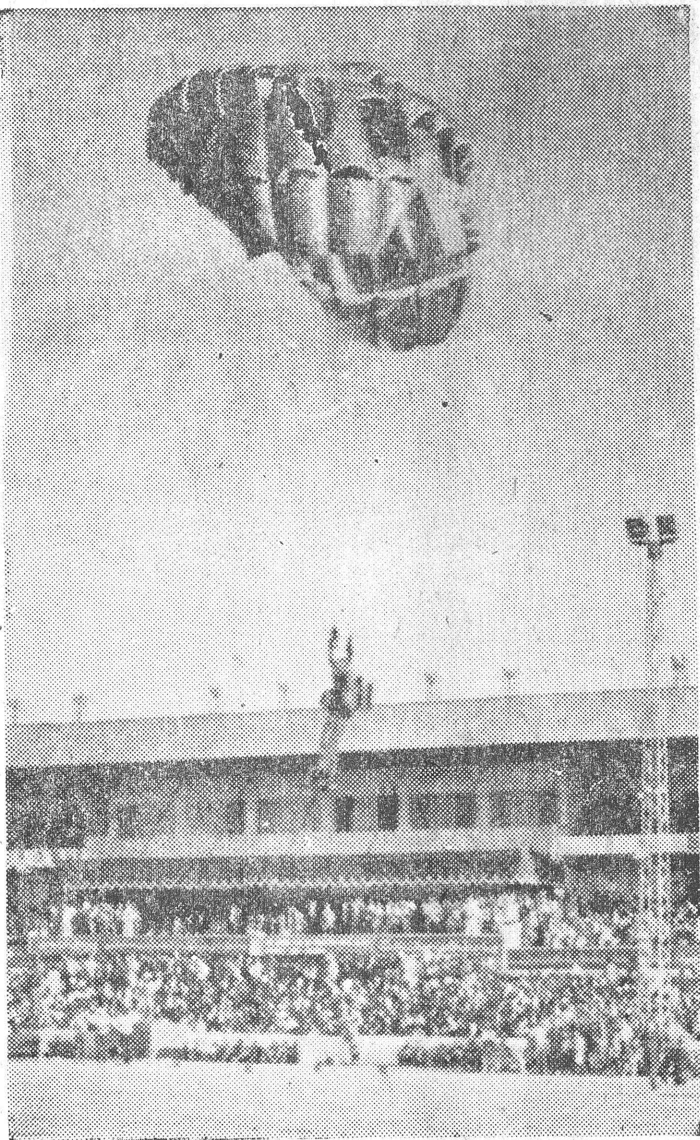
خبرنگار «حقیقت انقلاب ثور» علاوه کرد که:

آنچه در برنامهٔ ورزشی و هنری این جشنواره توجه برمی انگیخت محتوی سرشار وتنظیم دقیق آن بود.

نمایشات کودکان و پیشاهنگان اثرمند ترین بخش به شمار می رفت. بینندگان به خوبی می دیدند که کودکان وپیشاهنگان نوباوه ما چه استعدادهای پرارج در خود نهفته دارند. کودکان ونو جوانان زیبای ما برای نخستین بار امکان یافته بودند، این استعداد هارا تبارزدهند وواقعاً می توان گفت، بگذار آفتاب بدرخشد! بگذار کودکان و نوباوگان زیبای ما بازست هاو حرکات شان دنیایی را تمثیل نمایند.

نمایشات اتن، پرتاب پاراشوت، جمناستیك، پروگرام موسیقی و نمایشات دیگر مناسب به شرایط کشور از زیبایی خاص بهره داشت.

(ص ٤)



چتربازان قوای مسلح نیز درین جشن پرشکوه شرکت ورزیده بودند.



جوانان ما باشور و هیجان جوانی این جشن پرشکوه را برپا داشتند.

بقیه صفحه ۲

جنگ سرد ومحتوی آن

معاصر وحوادث رنجبار شش از آن روشنتر و تازه تر است که بتوان درآن چنین گستاخانه سفسطه کرد. اتحاد شوروی و کشور های سوسیالیستی از نخستین روز «جنگ سرد» آنرا باشدت افشا کرده پرچم صلح و همزیستی مسالمت آمیز را برافراشتند. این کشورهاچه سودی از «جنگ سرد» میتوانستند ببرند آیا «شانتاژ اتمی»، سیاست «بازی برلب پرتگاه جنگ» سیاست «عقب زدن نیروهای پیشرو به مرزهای پیش از جنگ دوم» را درمسکو اعلام کردند یا درلندن وواشنگتن؟ واقعیات تاریخ از آن عیانتر است که بتوان چنین منکرش شد. سیاست «جنگ سرد» صرفنظر از اصطلاح آن که مربوط به دوران پس از جنگ دوم جهانی است از جهت محتوی اصلی آن یعنی محاصره اقتصادی ونظامی اتحاد شوروی عملا بیشش از پنجاه سال از طرف امپریالیستها اعمال شده و یکبار امپریالیستها آنرا به جنگ گرم یعنی به هجوم فاشیستهای آلمان براتحاد شوروی مبدل کرده اند. سیاست محاصره نظامی و اقتصادی کشورهای انقلابی، شگرد کهنه امپریالیستهاست این سیاستی است که هم اکنون در مورد بسیاری از کشور های انقلابی بخصوص افغانستان نیز با خشونت اعمال میشود.

باید ازخود پرسید: چه کسی شیفته آن بوده و هست که انقلابات اجتماعی پیروزمند و نتایج تاریخی و اجتماعی آنرا خفه کندو در این راه دهها بار کوشیده است! پاسخ روشن است: امپریالیزم.

بگذار امپریالیست ها یك بار دیگر به بهانه تحولات افغانستان افسانه «خطر شوروی» را عنوان کنند ودر پی ایجاد جو نوین «جنگ سرد» تمامی امکانات شان را بکار بندند ولی تاریخ گواه است که اینبار نیز بازنده امپریالیزم خواهد بود، لاغیر. زیرا روند تکامل در جهت منافع آنانی است که از زبان آینده سخن می گویند و همپای زمان اند.

شکست ناپذیری جنبش های رهایی بخش

(قسمت پنجم)

این مقاله تصویری است ازوخامت بحران عمومی سیستم سرمایه داری ورشدروند انقلاب در جهان که شامل کلیه جنبش های رهایی بخش وجریانهای گوناگون مبارزه در راه برقراری جامعه نوین فارغ از ستم ملی واجتماعی می باشد. بوریس پوناماریف نگارنده مضمون نشان میدهد که جنبش رهایی بخش جزء لاینفك روند عینی تحول وتوالی فورماسیونهای اجتماعی، اقتصادی است و شکار میسازد که استقرارسوسیالیسم محتوی اساسی همه مبارزات دوران معاصراست.

انقلاب که تجلی یك ضرورت تاریخی است قوانین کامل خویشرا دارا است ودر زمان و مکانی که نیازبه دگرگونی های بنیادی انقلابی در جنبش توده ای طبقات ستمدیده شکل می گیردشروع میشود. انقلاب زمانی آغاز میشود که وخامت تضاد های اقتصادی اجتماعی وسیاسی به بحران عمومی می انجامد که طی آن طبقات بالایی نمی توانند به شیوه سابق حکومت کنند و طبقات پایینی در می یابند که زندگی به شیوه سابق امکان ناپذیر است. به کلام دیگر انقلاب تنها در وضعیتی انقلابی که آنرا نمی توان مصنوعاویا به خصوص با دستور از بیرون ایجاد کرد بوقوع می پیوندد. بر اساس احکام علمی سوسیالیزم مداخله از خارج وتلاش برای «گسیل دادن» یا ایجاد یك جریان انقلابی به طورمصنوعی عبث و زیان آور است.

حزب کمونست اتحاد شوروی همواره بر این اعتقاد بوده است که تحمیل انقلاب مثلا به منظور شادمانی خلق از طریق صدور آن میسر نیست. علل انقلاب و نیروهای محرکه آنرا همواره بایددر درون کشور انقلابی جست. بدون شك نمودارهای مربوط به پیروزی سوسیالیسم و ساختمان یك جامعه سوسیالیستی پیشرفته در اتحاد شوروی و دست آوردهای تاریخی کشور ماو تمامی جامعه سوسیالیستی نشاندهنده برتری سوسیالیسم پیشرفته نسبت به سرمایه داری است. چنانکه رهبر کارگران جهان مینوشت:

«یك الگوی زنده که درجایی کار مثبتی انجام داده از هر اعلامیه و کنفرانسی مؤثرتر است. انقلاب سوسیالیستی اکتبر همان چیزی است که الهام بخش زحمتکشان همه کشور هاست.»

تاثیر الهام بخش پیروزی انقلاب کبیر سوسیالیستی اکتبر از همان نخستین روزها آشکار شد واین مطلبی نیست که بتوان انکار یاپرده پوشی کرد. امابی شك چنین تاثیری را به هیچ روی نمی توان مداخله در امور دیگرکشورها دانست. هر خلقی به هرشکل که لازم بداند از تجربه سوسیالیسم مترقی بهره می گیرد و آنچه را که سودمند ودر راستای شرایط و سنن تکامل او است برمی گزیند. نیروی جاذبه یك الگوی سوسیالیستی موفق و جه اشتراکی باگسیل دادن میکانیکی انقلابات و به ویژه صدور آن به دیگر کشور ها ندارد. این جاذبه بسته به شرایط داخلی در کشورهای مختلف، تاثیری متفاوت می گذارد.

ایدهئولوگهای ضد جامعه گرایی که نتیجه گیری های تئوری علمی انقلابی در باره ارتباط جنبه های درونی و بیرونی روند انقلابی راتحریف میکنند، میکوشند عوامل بین المللی رابحساب «صدور انقلاب» بگذارند.

رهبر کارگران جهان بامفاهیم ماجراجویانه چپ نیز که چنین اندیشه های ضدعلمی راتبلیغ میکرد قاطعانه مقابله مینمود. چنین مفاهیمی از جانب ایدهئولوگهای تروتسکیسم که درواقع برای دامن زدن به انقلاب جهانی خلق ها رابه جنگ دایمی بر علیه کل سیستم سرمایه داری فرا می خوانند پیش کشیده شد. کمونیست های «چپ» نیز زمانی که پیمان صلح برست لیتوفسك منعقد شد موضع مشابهی اتخاذ کردند.

رهبر کارگران جهان درپاسخ به تیوری پردازان اوانتوریسم نوشت:

«شاید مولفین معتقدند که مصالح انقلاب جهانی هرگونه صلحی راباامپریالیست ها بالکل مجاز نمی گذارد... ازاین دیدگاه یك جمهوری سوسیالیستی که در حلقه محاصره قدرت های امپریالیستی است نمی توانند هیچگونه قرارداد اقتصادی منعقد کندو تنها در صورتی می تواند باقی بماند که به کره ماه پرواز کند.»

نیروهای مترقی اندیشه «صدور انقلاب» را رد می کنند واین واقعیت در بسیاری ازاسناد جنبش جهانی کارگری ثبت است. در بیانیه اجلاسیه ۱۹٦۵ نمایندگان احزاب برادر آمده است:

«احزاب پیشرو که آموزش مترقی را رهنمون خویش قرار داده اند همواره مخالف صدور انقلاب بوده اند. درعین حال آنها قاطعانه بر علیه صدور ضد انقلاب از سوی امپریالیست ها نیز میرزمند»

چپ گرایان و مخالفان آموزش مترقی اغلب میکوشند وانمود کنند که گویی انقلاب ضرورتا مولود جنگها است. اگر ادعایشان پذیرفته شود به حساب ساده نتیجه گرفته میشود که نیروهای پیشرو عصر ما به جنگ به مثابه منشا انقلاب علاقمندند.

(باقیدارد)

حقیقت انقلاب ثور

ارگان کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان

فریب آگاهانه

آنگاه که مسأله حقوق بشر در ایالات متحده امریکا مورد بحث قرار میگیرد، وسایل ارتباط جمعی آنکشور همراه با محافل حاکمه رسمی مهر سکوت بر لب میزنند و بر ضرورت آن چشم می پوشند. حتی آنزمانی که اطلاعات غم انگیز در باره حوادث بهار سالجاری در میامی ایالات متحده امریکا بمیان آمد که به ذات خود تمردو حشیانه از حقوق بشر است. لااقل باین موضوع اشاره یی هم نشد.

اینگونه سکوت اختیار کردن تصادفی نیست بلکه از سیاست آگاهانه و هدفمند محافل حاکمه این کشور ناشی می شود، آنها از طرق مختلف و مخصوصاً بوسیله تلویزیون و روزنامه ها تلاش میورزند آنچنان خیال واهی وپوچ رابمیان کشند که گویا حقوق بشر برای تمام مردم امریکا تامین است و «بیعدالتی های جزیی» ناشی از آن شرایطی است که موقتاً بروز میکند.

محافل حاکمه تمام هم خودرا بکار می برند که این پدیده غیر واقعی راکه گویا قوانین ایالات متحده امریکا و این را که قاضیان ترحم نمی کنند واقعی و درست جلوه دهند.

وقتی رئیس جمهور کارتر در میامی سخنرانی مینمود با بیشرمی تمام اعلان کرد: «درسیستم کار قضا تا هنوز هم در کشور ما ترحم وجود دارد».و این سخن در شهری گفته شد که پلیس در فاصله سه روز شانزده انسان بیگناه را به قتل رسانید و صد ها تن دیگر را زخمی ساخت!

در دوره تحصیل بهر امریکایی تلقین میگردد که وی «حقوق خودرا» دارد و این حقوق عبارتند از: «نیل به حق زندگی آزادی وسعادت» ولی آنگاهی که اعلامیه در باره آزادی و قانون اساسی ایالات متحده امریکا پذیرفته میشد قانوندانان خوب می دانستند که ازین حقوق اکثریت مردم مستفید شده نمی توانند اینکه در حال حاضر چگونه «حقوق اختصاصی» عملی می گردد یك سیاهپوست فعال به نام «جیرونیم پرات» را بیاد آورده می توانیم که در نتیجه یك اتهام جعلی در سلول تاریك زندان شب و روز میگذراند. کجا اند آن قضات واقعی قضای امریکا که اتهام جعلی «قتل» را ازین سیاه پوست رفع سازد.

«مزه» این «حقوق»را ارتور مکدافی سیاهپوست هم چشید که در ماه دسامبر سال گذشته از طرف پلیس امریکا به صورت وحشیانه شکنجه گردید. در باره این «حقوق» وبه خصوص «حق زندگی» «ورنون جوردان» سیاه پوست داستان خوبی بیان میکند که از چنگال نژاد پرستان سفید پوست برحسب تصادف زنده ماند. بسوی وی به خاطر این تیراندازی شدکه ازیکطرف یك سیاه پوست فعال را ازبین ببرند واز طرف دیگر فضای وحشت رابمیان آورند.

برویت قانون هرامریکایی این حق را دارد که در محکمه از خود دفاع نمایدولی در واقعیت اینطور نیست. محافل حاکمه مجبور شدند درموضوع قتل مکدافی چهار نفر پلیس راکه در قتل موصوف در میامی دست داشتند به محکمه معرفی نمایند. گرچه محافل حاکمه حکومتی غرض اغفال ذهن مردم آنهارازندانی ساخت مگر محکمه آنهار بزودی برائت داده و این قاتلان صرف دو نیم ساعت در زندان باقیماندند.

بدون شك آن پلیسی که ارتور مکدافی راتاسرحد مرگ لت و کوب نمودودرنتیجه این عمل وحشیانه مرد صد در صد نژاد پرست است. مگر آیا می توان به اینگونه عمل استثنا قایل شد؟

مردم در نیو پارك مانند میامی بدین علت مسموم می شوندو یابه قتل میرسندکه آنها از بطن سیاهپوست زاده شده اند. در مرکز پلیس شهر ارتو میلر که یك عضو فعال نهضت سیاه پوستان بود بدون هیچ علتی به قتل رسید.

نمایندگان سازمانهای اجتماعی در فلادلفیا ثابت ساختند که پلیس از اسلحه گرم در مقابل اشخاص مربوط به اقلیت های ملی استفاده می کنند.

در فاصله چند سال پلیس چهار صدوشصت ونه نفر رابه قتل رسانیده است. در دو صدو نودو نه مورد کسی «دلایل دفاع» برای رد اتهام استفاده ازاسلحه گرم رانداشته اند.

اینکه وسایل تبلیغات جمعی فریاد میکشد که تمام امریکاییان حق دارند «به خاطر رسیدن به سعادت تلاش نمایند» بهیچ وجه واقعیت ندارد.

در شیکاگو بیشتر از سه حصه مردم درسطح پایینتر از معیار رسمی فقروبیچارگی زندگی مینمایند. معیار بیکاری بین جوانان سیاه پوست درین شهر شصت فیصد است.

در اتلانتا پنجصد هزار سیاه پوست در خرابه ها زندگی میکنند که دروغ محافل حاکمه رابه خوبی ثابت کرده می تواند. اینست موفقیت واشنگتن در راه تامین «حقوق بشر».

در حوادث میامی چهره «پاسداران» حقوق بشر ایالات متحده امریکا مانند منشور برجسته گردید و تبعیض اجتماعی که به صورت روشن یك بخش امریکاییان را از بخش دیگرجدا میسازد بوضوح دیده شد و دروغهای شاخدار از واقعیت های ریالستیك جداگشت.

> **توده های زحمتکش! درصفوف هرچه فشرده تر بخاطر دفاع از ناموس وطن دوش بدوش ح.د.خ.ا. برزمید!**

(بقیه ص۳)

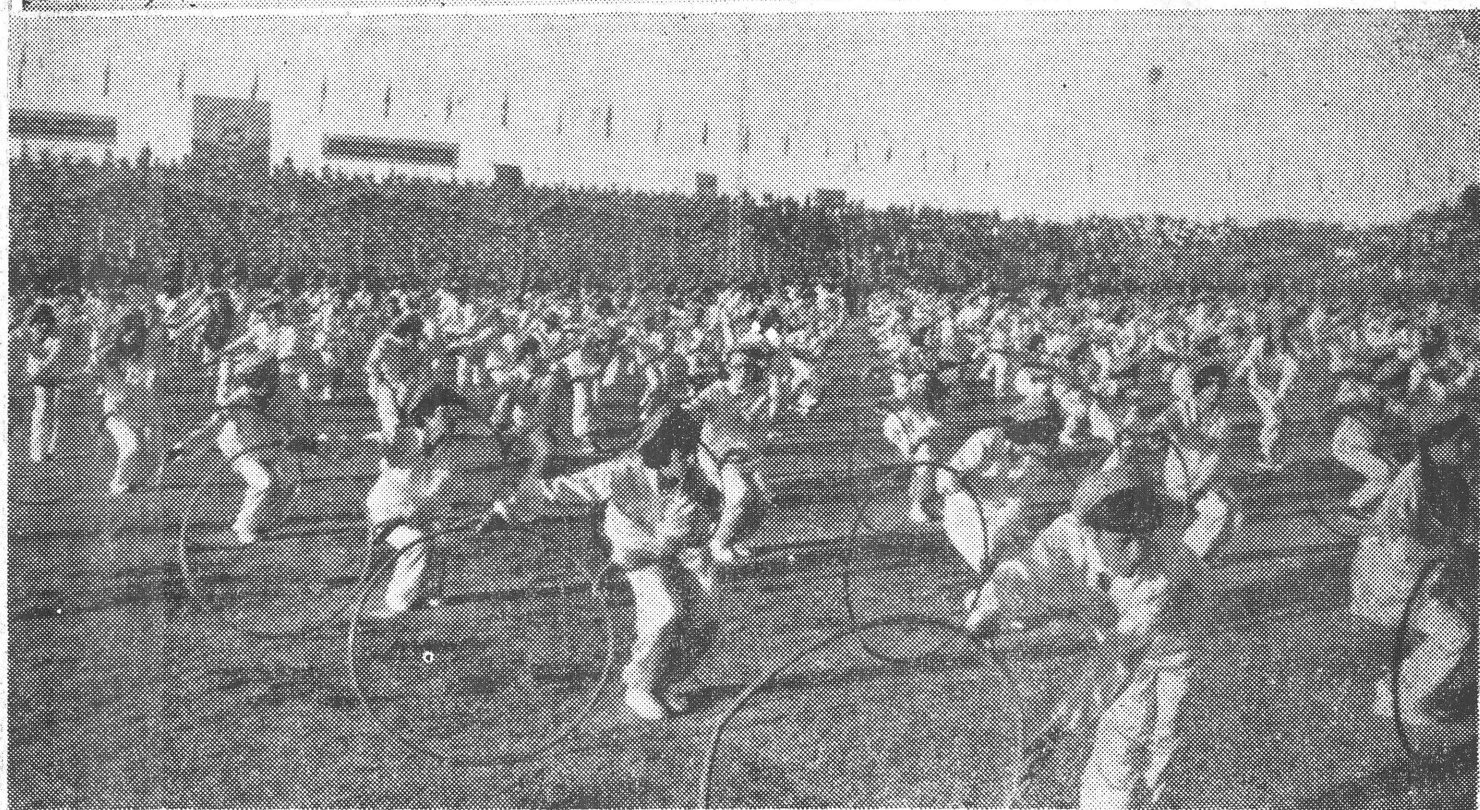
جشنواره...

جوانان مابا برپا داشتن این جشن شورو شوق انقلابی بزرگی نشان دادند. سرور انقلابی که فاشیست های امین و امینی آن را خواستند سرکوب کنند ولی نمرد، زنده ماند و جشنواره نشان داد که جوانان ما در پهلوی انقلاب اند، به دفاع از آنند.

جشنواره نشانداد که تمام جوانان جهان در کنار ما است وباما است. پشتوانهٔ انقلاب مانه تنها توده های ملیونی کشور ما بلکه کلیه نیروهای مترقی جهان است.

خبرنگار «حقیقت انقلاب ثور» می افزاید:

برگزاری این جشنوارهٔ بزرگ پس از مرحله نوین انقلاب ثور مبین نقش و تاثیر وسیع س.د.ج افغانستان دربین نسل جوان کشور است.



برای اولین بار در استدیوم ورزشی کابل نمایشاتی بشیوه ووسعت نوین اجرا گردید.

آمادگی قاطعانه مردم در راه تطبیق فیصله های پلینوم سوم

به خاطر تأیید و پشتیبانی از فیصله های با عظمت و تاریخی سومین پلینوم کمیتهٔ مرکزی حزب دموکراتیك خلق افغانستان کارگران و کارمندان میرخان بندروعدهٔ کثیری ازمردم دلیر وطنپرست قرای قریه گوترمه، قریه ترکمن وقریه برزنگی وشاگردان مکتب ابتدائیه قریهٔ گوترمه طی یك گردهم آیی در دوراهی ولسوالی حضرت امام ولایت کندز آمادگی قاطعانه شانرا در جهت تطبیق این فیصله ها ابراز داشتند.

همچنان موجی از احساسات گرم مردم شریف وزحمتکش بالاباغ ولسوالی پغمان در برابر دولت انقلابی شان و اراده شکست ناپذیر آنها برای مبارزه قاطع باعناصر ضد انقلاب پریروز طی یك گردهم آیی باشکوه در آن ولسوالی تبارز یافت.

آنها ضمن سخنان بی ریای شان که بخوبی امتنان و سپاسقلبی مردم پغمان را از دولت انقلابی منعکس می ساخت افزودند: به همان پیمانه یی که روز تا روز فاصلهٔ مابا دولت کمتر شده نزدیکی مابه آن بیشتر می شود به همان تناسب پشتیبانی ماازدولت انقلابی ما مستحکمتر می شود، ارادهٔ ما برای مبارزه قاطع با دشمن همانطوریکه فیصله های سومین پلینوم کمیته مرکزی حزب دموکراتیك خلق افغانستان مارا بهآن فرا خوانده است خلل ناپذیر می شود.

مردم شریف پغمان فضای آرامی راکه اکنون در آن بسر می برند نتیجه و ثمره همبستگی بین مردم و دولت خواندند.

طبق یك خبر دیگر تعداد کثیری از بزرگان اقوام طوطیخیل، مومند، احمدزی منگل، جاجی، چمکنی، جانی خیل و شهر گردیز پریروز در مقر ولایت پکتیا اجتماعی تشکیل داده با ایرادسخنرانی هایی پشتیبانی عمیق و خالصانه، شانرا به حزب ودولت جمهوری دموکراتیك افغانستان ابراز داشتند آنها یکبار دیگر آمادگی قاطعانه شانرا در راه ساختمان افغانستان عزیز و امحای کامل دشمنان انقلاب ثور در مناطق مربوط شان به دولت ملی و مردمی خویش اظهار نمودند.

یك خبر دیگر حاکیست که تعداد زیادی از مردم زحمتکش قرای مربوط مرکز ولایت پکتیا وولسوالیهای مربوط آن ولایت دیروز طی گردهم آیی آمادگی شانرا در جهت سر کوبی اشرار این آدمکشان حرفوی و مزدوران امپریالیزم امریکا ابراز داشتند.

(ب)

اولین پلینوم اتحادیهٔ های صنفی کابل برگزار شد

اولین پلینوم شورای شهری اتحادیه های صنفی شهر کابل بعداز ظهر دیروز طی مراسمی درتالاراتحادیه های کارگری افغانستان برگزار شد.

نمایندگان اصناف مختلف شهر کابل ضمن تقبیح اعمال خاینانه و خرابکارانه باند های تروریستی و اشرار که به تحریك ارتجاع منطقه و امپریالیزم جهانی در رأس امپریالیزم خونخوار امریکا به حزب و دولت انقلابی شان اطمینان دادند که تاآخرین دقایق حیات شان درپهلوی اینکه درامرشگوفانی کشورو ارتقای سطح تولیدات سعی لازم و انقلابی خویشرا ادا می نمایند در امر نابودی دشمنان رنگارنگ انقلاب و باند های فروخته شده لحظه یی فرو گذاشت نخواهند کرد.

در ختم این محفل قطعنامه مبنی بر پشتیبانی از مصوبات بوروی سیاسی کمیتهٔ مرکزی حزب دموکراتیك خلق افغانستان، اطمینان در جهت تعمیل وتطبیق این مصوبات ارزشمند وپاسداری از دست آورد های انقلاب نجات بخش ثوربالخصوص مرحله نوین تکاملی آن از طرف رؤساو نمایندگان اتحادیه های اصناف مختلف شهرکابل صادر گردید. (ب)

پاکسازی وطن ازوجوداشرار ادامه دارد

کشور عزیز ما روز تا روز از وجود توطئه گران و دهشت افگنان و باندهای خاین به وطن و مردم پاك می گردد ومردم زحمتکش ما در نقاط مختلف کشور زندگی آرام و مسعود شانرا باز می یابند.

به سلسله پاك کاری کشور ازلوث این خاینان طیچندروز گذشته سربازان وافسران قوای مسلح دسته های بزرگی ازاین جنایتکاران را در مربوطات ولسوالی های غوریان وزنده جان ولایت هرات سرکوب نموده عده زیادی ازآنها دستگیر گرده اند.

یك منبع قوای مسلح هرات گفت درجریان عملیات پاك سازی این مناطق ازوجود اوباشان و جنایتکاران یك مقدار زیاد اسلحه، انواع مختلف مرمیهای دستی و مین های ضد تانك که ساخت امریکا و چین می باشدبه دست سربازان قوای مسلح افتاده است.

قرار یك خبر دیگر روز ۵ میزان نیزیك دسته جنایتکاران از طرف قوای امنیتی ولسوالی اسمار ولایت کنر به همکاری مردم شریف آنجا سرکوب گردیدند.

یك منبع آن ولسوالی گفت این جنایتکاران زندگی آرام و مرفهٔ مردم زحمتکش قریه داد علاقه داری دانگام آن ولسوالی رابرهم زده مردم شریف آن قریه را تهدید نموده بودند.

قرار یك خبر دیگر از فیض آبادمرکز ولایت بدخشان یکدستهٔ دیگر ازاین جنایتکاران و عناصر ضد انقلاب که با ترورو دهشت افگنی زندگی عادی مردم قرای مربوط ولسوالی کشم را اخلال می گردند توسط قوای امنیتی و فعالین حزبی سرکوب گردیدند.

یك منبع ولایت بدخشان گفت از نزد این دشمنان وطن و انقلاب یك مقدار زیاد اسلحه و مرمی های ساخت امریکا به دست قوای امنیتی افتاده است.

ردیك ادعای دروغین

آژانس باختر طی ابلاغیه یی ادعای دروغین وزارت دفاع پاکستان رامبنی برحمله هیلیکو پتر های افغانی به خاك آنکشور جداً رد نموده. دراین ابلاغیه گفته شده است:

جای هیچگونه تردید نیست که این گونه اعمال و سرو صداها ی تبلیغاتی برای توجیه اعمال نظامیگران پاکستان امپریالیزم امریکا و برتری جویان چین که جنگ اعلام نشده را علیه افغانستان مستقل و انقلابی براه انداخته اندومی خواهند دست آورد های انقلاب ثور و مخصوصا مرحلهٔ دوم آن را از بین ببرندلازم می باشد.

(ب)

بقیه ص اول

سال تاریخی در...

نخستین جلسه نمایندگان روشنفکران شهر کابل به تاریخ ۱۶ سنبله یکبار دیگر توجه عمیق حزب و دولت ما را به امر ایجاد فضای لازم روحی و کمك به همه هموطنان که با این رشته حساس زندگی آرام که زندگی روانی آنانست و روشنفکران کشور ممثل آن میباشند، نشان میدهد. کنگره ژورنالیستان (۲۴ سنبله ۱۳۵۹) کشورنیزعلیرغم نواقص موجود، نشاند هنده این نیت میباشد.

تدویر اولین کنگره هنرمندان کشور به تاریخ ۳۱ سنبله، در جهت اعاده حیثیت هنرمندان باشرف و پر استعداد کشور از یکسو و دادن مسیر اصولی و ثمر بخش به فعالیت های هنری از جانب دیگر، کار عظیمی را انجام داد.

وبالاخره تدویر اولین کنفرانس پر جلال سرتاسری س.د.ج.ا و جشنواره پرشکوه آن نشان داد که نمایندگان بالنده و برومند نسل جوان کشور، این انقلابیون آتشین و پر شور از چه نیروی عظیمی بر خوردار هستند. شور زندگی و پیکار این کنفرانس و جشنواره را تاریخ با امانت داری و احترام حفظ خواهد نمود.

در مقایسه با مجموع تاریخ چندین ساله اخیر کشور با جرئت می توان گفت که سال حاضر، سال کنگره ها و کنفرانس ها، سال تلاش پر ثمر در راه بهبودی امور دولتی و زندگی توده های مردم میباشد.

درین سال مظاهر پر جلالی از همبستگی بین المللی بخصوص کنفرانس همبستگی با خلق افغانستان با شرکت نمایندگان عده زیادی از نیروهای مترقی جهان بخصوص نمایندگان سازمان همبستگی خلقهای افریقا و آسیا با مردم و انقلاب افغانستان وجود داشت و میتنگ های معدود ولی عظیم وپر جلال بین المللی ایرا که که در کابل بخاطر ابراز همبستگی با انقلاب و مردم افغانستان بر گزار گردید مردم ما از یاد نخواهند برد. هیچگاهی در تاریخ کشور ما نیروی همبستگی با مردم و منافع حیاتی ملی ما با چنین قوت و غنایی که درین چندماه بعد از ششم جدی ۵۸ دیده شد، تبارز ننموده بود. مردم افغانستان بوضاحت و نشاط مشاهده می نمایند که نیروهای پر عظمت انقلابی جهان در کنارآنهاودر دفاع قاطع ازانقلاب ملی و دموکراتیك آنها قرار دارند.

بقیه صفحه اول

افشای ۵۵...

راویران و محصولات زراعتی را ازبین می برند.

خبر نگار فرانسوی خاطر نشان کرده که در حال حاضر تحولات عظیم انقلابی انجام می شود و اطمینان مردم به حکومت شان روز به روز افزایش می یابد.

کنفرانس سرتاسری س.د.ج افغانستان ارزیابی گردید

هیات ها ونمایندگان سازمان های بین المللی، ملی ومنطقوی جوانان دموکرات جهان، طی یك کنفرانس مطبوعاتی که به اشتراك ژورنالستان داخلی وخارجی درکلوپ رادیو تلویزیون برگزار شد، نتایج کنفرانس سرتاسری سازمان دموکراتیك جوانان افغانستان را عالی ارزیابی نموده و یکباردیگر همبستگی بیدریغ شانرا ازانقلاب، مردم وجوانان افغانستان ابراز کردند.

اشتراك کنندگان کنفرانس مطبوعاتی موضعگیری سازمان های شانرادر ارتباط به پروپاگند های منابع غربی درباره انقلاب افغانستان مشخص ساخته وآنرا دروغ محض خوانده از ریشه رد کردند. آنان وعده دادندتا حقایق را درباره افغانستان ووضع صلح آمیز کشور مابه مردم جهان ارائه نمایند.

ایشان در پاسخ پرسش های ژورنالستان چشم دید خویشرا ازسفر بهولایات بلخ وننگرهار بازگو کرده وانمود ساختند که برخلاف پروپاگند های میان تهی دستگاه های امپریالیستی، وضع دراین دو ولایت آرام بوده ومردم به زندگی صلح آمیز شان درفضای کاملامطمئن و مصؤن ادامه میدهند.

آنها گفتند: تشکیل کنفرانس سرتاسری جوانان دموکرات در افغانستان رخداد شکوهمندی بود که نقطه اوج فعالیت های مارا تشکیل میدهد وقطعنامهٔ که درپایان میز مدور اشتراك کنندگان این کنفرانس دروزارت امور خارجه صورت گرفت، راه عمل کرد مارا تعیین نمود که ما چگونه درآینده خودرا درکنار افغانستان آزاد وانقلابی خواهیم یافت.

پاسخ دهندگان این کنفرانس مطبوعاتی توضیح کردند که ماعلاوه از آنکه حقایق را دربارهافغانستان وانقلاب افغانستان بمردم خویش می رسانیم، وکنفرانس های درزمینه توضیح این حقایق تشکیل میدهیم، از جوانان انقلابی ورزمنده افغانستان دعوت خواهیم نمود تاموقف ووضع کشور شانرا بصورت بهتر وسالمتر بهجهانیان بازگویند.

(ب)

زیرنظر هیات تحریر
مدیرمسؤول ـ محمود بریالی
آدرس ـ قصر ستوری
تیلفون ـ ۲۰۸۴۰

مطبعه دولتی